

کپی کاری‌های آزاردهنده



جبار آدین

منتقد سینما

در روزگار ما به صورت اصولی شبکه نمایش خانگی یک امکان ارتباط اجتماعی میان جامعه و دستگاه‌های فرهنگی مهیا کرده است تا با توجه به فرهنگ، سلیقه و ادبیات جامعه در صحنه‌های تولید، توزیع و انتشار آثار مناسب گروه‌های مختلف اجتماعی وارد عمل شود. به موازات حرکت رسانه ملی در ساخت سریال‌های جذاب برای مخاطب در کشور، با شبکه نمایش خانگی روبه‌رویم که چنانچه به صورت هدفمند و با مضامین مردمی، اقدام به تولید برنامه‌های شایسته و در خور مخاطب جامعه ما کنند، می‌توانند به عنوان یک وسیله فرهنگی و اجتماعی مهم و تاثیرگذار به ایفای نقش در خصوص ارتقای فرهنگ عمومی بپردازند. در واقع شبکه نمایش خانگی است که می‌تواند فارغ از محدودیت‌های رسانه ملی، یاری رساننده راستین آن باشد و در حوزه فرهنگ‌سازی آنچه رایج مکمل می‌تواند رقم بزند در فضایی آزادتر خلق کند.

اما متأسفانه در سال‌های اخیر شاهدیم که اغلب جریان‌های فرهنگی در این حوزه وابستگی جدی به مسائل تجاری دارند و این مسئله تأثیرات ناپسندی در تولیدات آثار مختلف را رقم زده است. گرچه خود تلویزیون هم گاه در این مسیر لغزش‌هایی دارد و گاه در آن با تقلید و کپی از برنامه‌های شبکه‌های خارجی و ماهواره‌ها روبه‌رو هستیم اما این روند شدت آزاردهنده‌ای در شبکه نمایش خانگی دارد. اغلب تولیدکنندگان برنامه‌های این شبکه، به جای توجه به نیاز و سلیقه مخاطب، بیش از هر چیز به سلیقه اسپانسرهای برنامه‌های تولیدی خود توجه می‌کنند و تمرکزشان به صورت سوداگرانه به مسائل مادی معطوف است. در واقع در شبکه نمایش خانگی هدف فرهنگ‌سازی یا تقویت عناصر فرهنگی مستحسن نیست، بلکه کسب درآمد است که تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران را به این سوق می‌دهد که در شبکه نمایش خانگی حضور فعال داشته باشند. بخش اعظمی از تولیدکنندگان در شبکه نمایش خانگی برنامه‌هایی با هدف کسب و کار تولید می‌کنند که هیچ تناسبی با فرهنگ و مناسبات اجتماعی جامعه ما ندارد و گاه با اقبال سطحی ناشی از تبلیغات حجیم و انبوه نیز روبه‌رو می‌شوند. به عبارت صریح آن‌که به جای توجه به قابلیت‌ها و خلاقیت‌ها و طرح موضوعات اساسی جامعه، رقابت کورکورانه و سوداگرانه‌ای بین سازندگان برنامه‌های شبکه نمایش خانگی در گرفته است که طی آن این تولیدکنندگان دست به تولید نعل به نعل از روی برنامه‌های دست چنم خارجی می‌زنند. در واقع علاوه براین‌که در این مدل تولید، راه‌بر خلاقیت تولیدکنندگان داخلی بسته شده، آثاری تولید می‌شود که از توجه به جامعه مخاطب خالی است. در چنین شرایطی مخاطب با تولیداتی مواجه است که به هیچ وجه با اوضاع زندگی او و حالات مختلف روحی و نیازهایش تناسبی ندارد. به‌ویژه بخش اعظمی از این تولیدات تحت تاثیر تولیدات شبکه‌های ترکی است که در فرآیند کپی‌سازی به دست آمده‌اند. این اتفاق موجب می‌شود فرهنگ جامعه توسط عوامل داخلی مورد تهاجم جدی قرار گیرد و لطمه‌های اساسی و جبران ناپذیری به آن وارد آید. جامعه‌ای که تولیدات رسانه‌ای آن بازتاب دهنده نیازهای کشورهای دیگر باشد و این تولیدات هیچ سختی با نیازهای مردم جامعه‌اش نداشته باشد، لاجرم بعد از مدتی با گذردیسی فرهنگی روبه‌رو خواهد شد و آنچه در فرهنگ آن از ارزش محسوب می‌شود توسط فرهنگ کشورهای دیگر استحاله می‌گردد. بنابراین شبکه نمایش خانگی که می‌تواند عرصه رقابت‌های سالم و هدفمند با عنایت به نیاز و تقاضای مخاطب باشد، به صحنه‌ای برای رقابت‌های تجاری تبدیل خواهد شد. این شبکه می‌توانست دوشادوش تلویزیون بازتاب‌دهنده مسائل و مشکلات جدی جامعه باشد و در اهتزاز پرچم فرهنگی کشور نقش آفرینی کند. اما با هجوم تهیه‌کنندگانی با اهداف تجاری و بعضاً سیاسی به شبکه نمایش خانگی، بیشتر شاهد بازار مکاره‌ای هستیم که نمی‌توان از آن توقع یاری‌رسانی در حوزه فرهنگ‌سازی داشت. شاید تولیدات اینچینی که در واقع کپی دست چندم نمونه‌های خارجی هستند، در جامعه به توفیق و اقبال نسبی نیز دست یابند، اما باید دانست توفیق نسبی چنین آثاری هم محصول نیاز مخاطب نیست و اقبال کاذبی که در این فضا به دست می‌آید، لزوما انعکاس دهنده توفیق اثر تولید شده نیست و چیزی از ضعف محتوا و کپی بودن اثر موردنظر نخواهد کاست.

یک داستان برای سوریه

رمان «چنین دیدم» اثر فرشته امیری که داستانی درباره حضور یک مستندساز در کشور سوریه است، در انتشارات نیستان منتشر شد. قهرمان داستان مادری است که بدون اطلاع از وضعیت پدر و مادر خود در یک پرورشگاه بزرگ شده و همسرش نیز فرزند پدر و مادری است که هر دو را در جنگ از دست داده‌است. / فارس



سفر یک انیمیشن به هیروشیما

«گرگم و گله می‌برم» ساخته امیروشنگ معین از تولیدات سال ۲۰۱۸ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به بخش مسابقه رسمی هجدهمین جشنواره بین‌المللی انیمیشن هیروشیما ۲۰% راه یافت. این پویانمایی هشت دقیقه‌ای این بار در جشنواره هیروشیما با دیگر آثار به رقابت می‌پردازد. روز ۳ شهریور همزمان باآخرین روز این جشنواره، اسامی برندگان اصلی اعلام خواهد شد. / مهر



تولیدات این روزهای شبکه نمایش خانگی مورد انتقاد کارشناسان قرار گرفته است



سریال‌های شبکه نمایش خانگی به سریال‌های ترکی بدل شده‌اند

شبکه چِم، شعبه ایران!

روزی روزگاری نه چندان دور، همین چند سال پیش شبکه فارسی وان توانست مخاطبان ایرانی را با شوکی خاص روبه‌رو کند؛ شوک مواجعه با تمام آنچه در عرف جامعه ایران معمول نیست و می‌شد پای این شبکه‌ها با چشم‌مانی گردد و حیرت زده تماشایشان کرد. بعدتر بساط فارسی وان جمع شد، اما انواع شبکه‌های جم و همچنین ده‌ها شبکه دیگر خیلی زود راهی را که فارسی وان پیش گرفته بود، ادامه دادند و هنوز هم مشغول کارند.

هر چند سریال‌هایی که از این شبکه‌ها پخش می‌شود، ایرانی نیست اما جالب است بدانید در کشوری تولید می‌شوند که اغلب مردمش درست‌مثل ایرانی‌ها از اتفاقاتش شوکه می‌شوند، بله... بسیاری در ترکیه می‌گویند این فیلم‌ها هیچ شباهتی به زندگی عادی مردم ندارد و حتی دیگر دنبال‌کننده‌پرو پا قرض آنها هم نیستند.

این نکته آخر را گفتم تا برسیم به تولیدات این روزهای شبکه نمایش خانگی در ایران؛ تولیداتی که اگر قرار باشد برای اغلب‌شان نام بهتری انتخاب کنیم باید بگوییم آثار شبکه ترکی سازی! چون دقیقاً در این سریال‌ها هم همه چیز با آنچه در زندگی عادی مردم و بطن جامعه می‌گذرد، تفاوت‌های بسیاری دارد. اما مردم ایران هنوز با تحمیر این تولیدات داخلی را تماشا می‌کنند و می‌خواهند ببینند آخر همه این اتفاقاتی که هرگز دور و برشان مشابهنش را نمی‌بینند، چه خواهد شد.



زینب مرتضایی‌فرد

دبیر فرهنگ و هنر

۱ مولفه‌های مشترک

این که بگوییم بخش عمده تولیدات شبکه نمایش خانگی در چند مدت گذشته شبیه سریال‌های ترکی بود، ادعایی است که حتما باید درباره‌اش توضیح داد. طبیعتاً تمام آنچه در فیلم‌ها و داستان‌ها می‌بینیم و می‌خوانیم واقعیت ندارند، نوشتن داستان و فیلمنامه هر چند باید در فضایی باشند که جامعه با آنها ارتباط برقرار کند، اما قرار نیست نعل به نعل واقعیت باشند و خیال و فکر نویسنده هم در پیش بردن داستان آزاد است. اما موضوع این است آنچه در سریال دل، مانکن، ممنوعه یا سایر سریال‌ها رخ می‌دهد، قرار است با خط قرمزهای ذهنی مردم بازی کند و داستان خود را پیش ببرد. جدای از بعد داستانی این سریال‌ها باید رفت سراغ شیوه زندگی‌ای که در این سریال‌ها دیده می‌شود، شخصیت‌های این سریال‌ها اغلب ثروتمند هستند و زندگی‌ای دارند که شبیه زندگی مردم عادی جامعه نیست. انکار که تمام اتفاقات این سریال‌ها به‌قول معروف میان ۱۰ درصدی‌های جامعه می‌گذرد و یا ۹۸ درصد دیگری هم کاری ندارد. جالب است همان قدر که چهره ثروت در این سریال‌ها اغراق شده است، چهره فقر هم با همین شکل و شمایل معرفی می‌شود و قرار است قصه‌های شاهزاده و گداگونه بتوانند مردم را بترسانند پای روایت. اما در هر حالت نمی‌توان از سبک زندگی اشرافی‌ای که این سریال‌ها تبلیغ می‌کنند، گذشت. آلات موسیقی تا حدی در فیلم دیده می‌شوند که اصلاً هر کس از جوی دوربیردین شود بلد است ساز بزند، آن‌قدر که در سریال دل می‌بینیم خاتم را ننده اسنپ سازدهنی‌اش را با خودش برده و حالا که تصادفاً رسیده به کنار دریا برای مسافر خود می‌نوازد! از طرف دیگر ماجراهای عشقی و به هم تنیدگی‌شان در این سریال‌ها آنجا پیش می‌رود که دیگر قید مثلث و مربع عشقی را می‌شود زد و

اصطلاحات ناچیزی دانست‌شان، اصلاً باید گفت دایره عشقی، این!

روابط چند پهل و دامنه‌دار تعریف خانواده، تعهد، دوستی و... را به بازی می‌گیرند، بله زندگی واقعی هم اتفاقات بد دارد و طبق همان نگاه قدیمی موجود در فرهنگ ما ممکن است گرگ‌ها همیشه در کمین باشند، اما ارائه این اتفاقات به مبتذل‌ترین شکل ممکن می‌تواند مخاطب را دچار سطح‌بودن کند.

در ضمن خط داستانی این سریال‌ها هم آن‌قدر روست که اگر مخاطب با اندک بهره‌هوشی پای تماشا‌ی آنها بنشیند و چند سریال را ببیند، می‌تواند خط پیشبرد بقیه آنها را هم تاحدی حدس بزند. جالب‌تر هم این‌که اگر زمان سریال ۹۰ دقیقه باشد، در بسیاری از آنها حجم زیادی از این زمان به مرور اتفاقات قبل با صدای یک خواننده و حضور پررنگ موسیقی می‌پردازد، که البته در این باره قبل‌تر گزارش مفصلی نوشته‌ایم و از آن می‌گذریم.

خلاصه که نصف زمان فیلم هم حتی به پیشبرد خط اصلی داستان نمی‌گذرد و اگر قرار بود این سریال‌ها مثل فوتبالت داور داشته باشند، مدام برای وقت‌کشی کارت قرمز می‌گرفتند.

۳ این سریال‌های ایرانی غیرایرانی

همان‌طور که مردم یک دهه و نیم پیش با چشمان گرد سریال‌های فارسی وان را نگاه می‌کردند، از یکی دو سال پیش با چشمان گرد‌تر تولیدات وطنی مشابه را تماشا کردند، بعد هم روند آنقدر ادامه‌دار شد که به تماشا‌ی آنها عادت کردند و دنبال‌شان می‌کنند. سریال‌های ایرانی‌ای که دقیقاً بر مبنای همان سریال‌های ترکی ساخته می‌شوند، با همان بحران‌ها و کاستی‌ها و همان جاذبه‌های بیهوده.

سریال‌هایی که قصه ندارند، چون نویسنده خوب ندارند، نویسنده‌های امروز شبکه‌های نمایش خانگی بلد نیستند قصه تعریف کنند، برای همین با افزودن مولفه‌های جنسی و نشان دادن زندگی اشرافی قصد جذب مخاطب دارند. قصه‌هایشان نه برای ایجاد گردش‌های اقتصادی در کشورهای دیگر نوشته می‌شود و نه دردی از مردمی که تماشاایش می‌کنند، درمان می‌کند.

این سریال‌ها مخاطب داخلی دارد و گردش مالی داخلی، مخاطب داخلی دارد و آسیب داخلی. روایت‌هایشان شباهتی به زندگی مردم ندارد، از بطن جامعه فاصله بسیار دارند و البته می‌توان گفت مانند ماجراهای تئاتر لاچپری و کنسرت نمایش‌ها مدتی برای عده‌ای کسب درآمد می‌کنند و می‌روند. اما تأثیرات فرهنگی‌شان چه؟ مگر به این راحتی پاک می‌شود؟ و نکته مهم‌تر این‌که آیا آنها که به این سریال‌ها مجوز

می‌دهند حاضرند یک روز در برابر رسانه‌ها بنشینند و نظرشان را درباره‌شان بگویند؟ آیا مدیران گرامی اصلاً نگاه می‌کنند که در حال ترویج چه چیزی هستند و وقتی پای یک مجوز را امضا می‌کنند چه تبعاتی برای جامعه خواهد داشت؟

